



دوفصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی

گروه علوم اجتماعی-دانشگاه الزهرا

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۸-۱



مقاله پژوهشی

تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی: در منتخب کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه^۱

هادی رحمانی فضلی^۲، فتانه نیکنام^۳، حمید آسایش^۴، رضا شمس‌اللهی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

چکیده

طی سالهای اخیر با گسترش مدل‌های رشد درونزا، سرمایه انسانی به عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی مورد توجه بوده است. پس از آن در کنار سرمایه انسانی، قابلیت‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و در همین راستا نقش سرمایه اجتماعی در مطالعات مرتبط با رشد و توسعه اقتصادی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. لذا هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه با بهره‌گیری از الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پنلی (Panel ARDL) طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۲۱ می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در دوره کوتاه‌مدت تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه تأثیر مثبت داشته و در دوره بلندمدت این تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار بوده است. در کشورهای توسعه‌یافته میزان تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی بیشتر از کشورهای درحال توسعه بوده است. متغیرهای موجودی سرمایه، نیروی کار و درجه باز بودن اقتصاد در هر دو گروه از کشورها در دوره بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته‌اند و منجر به افزایش رشد اقتصادی شده‌اند. بنابراین توجه شاخص‌های سرمایه اجتماعی خصوصاً افزایش انسجام اجتماعی و افزایش مشارکت‌های شهروندی و مدنی بر رشد و توسعه اقتصادی ضروری است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی، کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای درحال توسعه، الگوی

خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی.

طبقه‌بندی موضوعی: A14, C22

۱. کد doi مقاله: 10.22051/IJOSED.2024.47502.1041

۲. استادیار، گروه سیاستگذاری عمومی و اقتصاد سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی،

تهران، ایران. Email: hadirahmai@aut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. Email: ftanhnyknam@gmail.com

۴. دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت اله بروجردی، بروجرد، ایران. نویسنده مسئول. Email: hamid.asayesh@abru.ac.ir

۵. کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران. Email: reza.shamsolahy@gmail.com

مقدمه

مالتوس^۱ (۱۷۹۸) منابع طبیعی را عامل رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته است. در دهه ۱۹۵۰ سرمایه فیزیکی مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. رومر^۲ (۱۹۸۶) سرمایه انسانی را در کنار سرمایه فیزیکی عامل رشد اقتصادی دانسته است. در این دوره کمتر به تعاملات اجتماعی و نقش ارزش‌ها و فرهنگ و به طور کلی، نهادهای رسمی و غیررسمی در رشد و توسعه اقتصادی توجه شده است. به طور سنتی وجود سه نوع سرمایه (طبیعی، فیزیکی و سرمایه انسانی) در کنار یکدیگر، مهم‌ترین عامل برای رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شد (مورنو^۳، ۲۰۱۸).

بررسی‌های انجام شده در مقوله حسابداری رشد اقتصادی نشان می‌دهد که بخش اصلی رشد اقتصادی محقق شده در کشورها توسط نهادهای سنتی نیروی کار و سرمایه توضیح داده نمی‌شود. این جزء از رشد اقتصادی که در متون اقتصادی با عنوان عامل پسماند شناخته شده است، به مجموعه عواملی نسبت داده می‌شود که به افزایش بهره‌وری کلی عوامل تولید سنتی (نیروی کار و سرمایه) همراه است (وستلوند و لارسون^۴، ۲۰۱۶). در الگوهای رشد درون‌زا اعتقاد بر این است که ساز و کارهای درونی یک اقتصاد که شرایط مناسبی شامل آموزش، پژوهش و توسعه و در بیان کلی، زیرساخت‌های مناسب اجتماعی را برای رشد تکنولوژی فراهم می‌آورند، در رشد اقتصادی نقش مؤثری دارند (اسمیت و توماس^۵، ۲۰۱۷). به یقین، هدف ارائه‌کنندگان الگوهای رشد درون‌زا عدم توجه به عامل سرمایه نبوده، بلکه آنها در یک تحلیل عمیق‌تر به عوامل ایجادکننده تکنولوژی و ساز و کار رشد آن به عنوان منبع اصلی رشد اقتصادی تأکید دارند، یکی از این عوامل سرمایه اجتماعی است (کترر و رودیگر^۶، ۲۰۱۸). به بیان دیگر، در الگوهای رشد درون‌زا علاوه بر عوامل سنتی مؤثر بر رشد (کار و سرمایه)، به طیفی از رویکردها و الزامات سیاسی اجتماعی دیگر نظیر؛ توسعه سرمایه انسانی، ایجاد سرمایه اجتماعی، پژوهش و توسعه، شرایط مطلوب سیاسی و آزادی اقتصادی تأکید می‌شود (موریگانی و همکاران^۷، ۲۰۲۱). همچنین همواره باید توجه داشت که رشد و توسعه پایدار دارای ابعاد و مولفه‌های متفاوتی است، ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ابعاد متفاوت رشد و توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند که با یکدیگر در ارتباط می‌باشد. در بعد محیطی، مسئله سرمایه طبیعی؛ در بعد اقتصادی، سرمایه فیزیکی و در بعد اجتماعی، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. ارتباط آزاد این ابعاد منجر به رشد اقتصادی می‌گردند. بنابراین توجه به بحث سرمایه اجتماعی در حقیقت توجه به ابعاد بسیار مهم از رشد و توسعه پایدار است. با به وجود آمدن مکتب نهادگرایان جدید به نقش نهادها و

1. Maltose
2. Romer
3. Moro no
4. Westlund & Larson
5. Esmit & Tomas
6. Ketterer & Rudi's
7. Origami et al

بخصوص سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی توجه بیشتر شد. به طوری که بانک جهانی از این نوع سرمایه، به عنوان ثروت نامرئی یاد می‌کند (مکیان و همکاران ۱۴۰۰).

در بیشتر مطالعات داخلی در بین عوامل موثر بر رشد اقتصادی، تاثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند.^۱ و در مطالعات محدودی از جمله، معبودی و دره‌نظری (۱۴۰۰)، قیاسی و همکاران (۱۳۹۹)، کمالی دهکردی و همکاران (۱۳۹۸)، و سوری (۱۳۹۳) که تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش به مقایسه تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداخته می‌شود. لذا نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های داخلی در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی از نظر قلمرو مکانی پژوهش می‌باشد. بنابراین هدف اصلی این پژوهش این است که، سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی طی دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۹ در کدام گروه از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تاثیر بیشتری دارد؟

سازماندهی پژوهش حاضر این گونه است: در بخش دوم مبانی نظری در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ارائه می‌شود. همچنین، در ادامه بخش دوم به مروری بر مطالعات تجربی داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. بخش سوم، به توصیف متغیرها و روش‌شناسی اختصاص یافته است. یافته‌های تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش چهارم ارائه می‌شوند. بخش پایانی به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی نخستین بار توسط هنیفین^۲ (۱۹۱۶) بیان شده است. هنیفین از بحث مراکز اجتماعات در مدارس روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم توسعه تاکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را بنا نهاده است. جیکز^۳ (۱۹۶۰) و لوری^۴ (۱۹۷۰) در تحلیل میراث اجتماعی، سرمایه اجتماعی را بکار برده‌اند. بورديو^۵ (۱۹۸۵) سرمایه اجتماعی را فرآیند عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دانسته است. پاتنام و همکاران^۶ (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را شامل اعتماد، هنجار و شبکه‌هایی می‌داند که می‌تواند کارایی در جامعه را افزایش دهند (آنتونی و بوشما^۷، ۲۰۱۸). فوکویاما^۸ (۱۹۹۵) سرمایه

۱. آقای، قلی‌زاده و باقری (۱۳۹۲)، محمدی و امیدوار (۱۳۹۴)، یآوری، هژیرکیانی، پرتوی و خلیلی (۱۳۹۹)، مظفری (۱۴۰۰)،

لیلان، ابراهیمی، زارع و حقیقت (۱۴۰۰)، اردبیلی و پژمان‌زاد (۱۴۰۰)، افقه، منصوری، ملتفت و بهاروند (۱۴۰۱)

2. Hennepin

3. Jekes

4. Lori

5. Borido

6. Pant am et al

7. Antoni & Boschma

8. Fukuima

اجتماعی را مجموعه‌ای از قوانین یا هنجارهای غیررسمی میان اعضای یک گروه تعریف می‌کند (معبودی و دره‌نظری، ۱۴۰۰). کلمن^۱ (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از نهادهای گوناگون می‌اند که کنش‌های بین افراد را تسهیل می‌کند. طبق تعریف بانک جهانی (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن رشد اقتصادی میسر نمی‌شود. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و شبکه‌هایی است که مردم را قادر می‌سازد دست به کنش جمعی بزنند. بنابراین، سرمایه اجتماعی را منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی کرد. که این منابع شامل نهادها، هنجارها، اعتماد، آگاهی و... می‌باشد که بر روابط و تعاملات میان افراد حاکم است و می‌تواند بر عملکرد افراد و جوامع تاثیرگذار باشد.

تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در زمینه‌ی توضیح مکتب نهادگرایان جدید می‌باشد که هر یک از سطوح متفاوت آن به نحوی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. در سطح خرد و روابط غیررسمی که میان اعضای خانواده، دوستان و اقوام حاکم است، به ویژه در خانواده، سرمایه‌ی اجتماعی منجر به تشکیل سرمایه‌ی انسانی می‌شود که در بلندمدت تأثیر خود را بر روی رشد اقتصادی می‌گذارد. سرمایه‌ی اجتماعی تعمیم یافته باعث افزایش قابلیت اعتماد و پیش‌بینی رفتار انسان‌ها می‌شود. در سطح میانی که به روابط بین بنگاه‌ها و شرکت‌ها اشاره دارد، سرمایه‌ی اجتماعی، منجر به کاهش ریسک و افزایش اعتماد بین بنگاه‌های اقتصادی می‌شود که در نتیجه باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های انعقاد و اجرای قراردادها، توسعه‌ی مالی، افزایش کارایی بازار و افزایش نوآوری می‌گردد. در سطح کلان که سرمایه اجتماعی به نهادهای رسمی مربوط می‌شود، با به وجود آوردن محیط آرام و با ثبات و تضمین حقوق مالکیت، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش بیکاری، افزایش کارایی دولت و کاهش جرم در جامعه افزایش رشد اقتصادی را در پی دارد. سرمایه اجتماعی هم بر روند توسعه‌ی اقتصادی، تاثیرگذار است و هم از آن تاثیر می‌پذیرد. به همین خاطر، با توسعه اقتصادی یک کشور، سرمایه اجتماعی آن کشور نیز باید توسعه یابد.

سرمایه اجتماعی نقش مهمی در انباشت سرمایه انسانی به خصوص در خانواده‌ها ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم و از طریق تاثیر بر روی سرمایه انسانی رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اقتصاددانان معتقدند که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (ارتباط درون خانواده و دوستان) عاملی مهم در شکل‌گیری تحصیلات افراد است. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با افزایش اعتماد برای افزایش بازدهی افراد در تحصیلات و سرمایه انسانی در جامعه نقش اساسی دارد. نک و کیفر^۲ (۱۹۹۷) در پژوهش خود، کمبود سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته را به عنوان عاملی برای کم شدن نوآوری و خلاقیت معرفی

1. Colman
2. Nek & Kephir

می‌کنند. اگر کارفرمایان مجبور به صرف وقت بیشتری برای نظارت بر تخلف احتمالی شرکاء، کارمندان و عرضه‌کنندگان شوند، وقت کمتری به نوآوری در تولیدات و فرایندهای جدید اختصاص می‌دهند و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش می‌یابد (کزنسزی و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

سرمایه اجتماعی علاوه بر اینکه باعث انعقاد راحت‌تر قراردادهای و کاهش هزینه‌های مبادلاتی می‌شود، با بهبود کارایی دولت نیز بر عملکرد رشد اقتصادی موثر است (کرچنزی و گالگری^۲، ۲۰۱۵). در دنیای کنونی، قرارداد کاملی که بتواند تمام جوانب و هزینه‌های یک پیمان را در بر داشته باشد غیرممکن یا بسیار مشکل و پر هزینه است. در این جا است که اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی به کمک افراد و گروه‌ها آمده و با کاهش فرصت طلبی، ضعف‌های موجود در قراردادهای ناقص را جبران کرده و از یک سو ضمن ایجاد رونق اقتصادی، بازدهی قراردادهای را افزایش داده و باعث افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل تولید می‌شود و از سوی دیگر با افزایش تعهد نیروی کار هزینه‌های کنترل و نظارت را کاهش می‌دهد.

جهت دیگری که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر رشد اقتصادی موثر باشد، تاثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری می‌باشد. در واقع سرمایه‌گذاری مکانیسم انتقال سرمایه اجتماعی به رشد اقتصادی است. سرمایه اجتماعی با افزایش اعتماد و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه، منجر به پشتیبانی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده می‌شود. همچنین، فرآیند تولید را تسهیل و باعث افزایش تولیدات و در نتیجه رشد اقتصادی شود. سرمایه اجتماعی از طریق جلوگیری از رفتارهای خودخواهانه، تغییر انتظارات و کاهش هزینه‌های مبادله موجب تسهیل ابداعات، خلاقیت و نوآوری می‌شود که به تبع آن رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. سرمایه اجتماعی دارای یک فرد نیست و در واقع مربوط به یک جامعه است. سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش اعتماد افراد به یکدیگر و افزایش اعتماد افراد نسبت به نهادها و عملکرد آنها می‌شود، که یکی از این نهادها دولت است. سرمایه اجتماعی با افزایش اعتماد نهادی می‌تواند بر عملکرد و تصمیمات دولت نقش بسزایی داشته باشد. با افزایش اعتماد افراد به دولت به طور مثال شرکت در انتخابات و یا پرداخت به موقع مالیات منجر به افزایش کارایی دولت می‌شود، که می‌تواند تاثیر بسزایی بر رشد اقتصادی داشته باشد. یکی دیگر از جنبه‌های غیرمستقیم اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی از طریق اثرگذاری بر روی سرمایه انسانی می‌باشد. سرمایه اجتماعی و تعاملات درون‌گروهی نقش بسزایی در تشکیل سرمایه انسانی دارد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی زمینه را برای گسترش تحصیل فراهم می‌کند. همچنین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با تعاملات اجتماعی خارج از فضای بسته دوستان و آشنایان با افزایش اعتماد و کاهش فرصت طلبی می‌تواند زمینه را برای افزایش بازدهی افراد از تحصیلات و سرمایه انسانی فراهم کند. افزایش سرمایه انسانی منجر به بهبود رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین سرمایه اجتماعی از طریق تاثیرگذاری بر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تاثیرگذار است.

1. Kensesi et al

2. Kerchinzi & Gialgri

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند بر رشد اقتصادی تاثیرگذار باشد. کشورهای با سطوح بالای سرمایه اجتماعی، در دهه‌های گذشته سریع‌تر از دیگر کشورها رشد کرده‌اند. بنابراین به عنوان یک فرضیه می‌توان گفت افزایش اعتماد اجتماعی به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. اعتماد اجتماعی از چند طریق می‌تواند بر رشد اقتصادی تاثیرگذار باشد. (۱) اعتماد مردم به حکمرانان منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری آنها شود، زیرا حکمرانان تمایل دارند در تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود احتیاط را رعایت کنند و انگیزه و فعالیت‌های رانتهی خود را کاهش دهند تا به اعتراضات عمومی منجر نشود. در این چنین شرایطی با برقراری ثبات و آرامش جامعه بخش تولید هم رونق گرفته و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. (۲) افزایش اعتماد اجتماعی به اتخاذ تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح در مدیریت کشور می‌شود و در نتیجه بر حکمرانی خوب و مدیریت کارآمد منجر می‌شود که به طور عمده عامل رشد اقتصادی است. (۳) معاملات و انجام تجارت به عنصر اعتماد نیازمند می‌باشند، چرا که افزایش سرمایه‌گذاری‌ها به منظور افزایش تعداد و اندازه چنین معاملاتی است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که اعتماد اجتماعی بر میزان سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی تاثیرگذار باشد. (۴) اعتماد پیچیدگی‌های جامعه مدرن را کاهش می‌دهد. به این مفهوم که گستره موارد احتمالی برای در نظر گرفتن هر فعالیت اقتصادی را کاهش می‌دهند. بنابراین اعتماد ممکن است به خودی خود یک عامل تعهدید کننده در روابط تجاری باشد. (۵) کشورهای با اعتماد اجتماعی بالا توانسته‌اند دولت‌های رفاه را حفظ کنند. به این دلیل که سطوح بالای اعتماد تا حدی این کشورها را از رفتارهای نامطلوب جدا کرده است. (۶) رابرت سولو استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی تاثیر کاهنده‌ای بر رشد اقتصادی داشته باشد. اعتماد اجتماعی می‌تواند قدرت دولت‌ها را در اجرای اصلاحات لازم برای حفظ میزان بالای رشد اقتصادی تضعیف کند. در کشورهای توسعه‌یافته تشکیل سازمان‌های مردم نهاد می‌تواند از طریق ایجاد دخالت و تفرقه در مسائل سیاسی بر رشد اقتصادی تاثیر منفی گذاشته و مانعی برای افزایش رشد اقتصادی لحاظ شود. بنابراین اعتماد اجتماعی در سطوح بالا منتهی به افزایش رشد اقتصادی نمی‌شود (کافی و لشگری، ۱۴۰۲).

مشارکت‌های اجتماعی مردم می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه رشد اقتصادی تاثیرگذار باشد. مشارکت‌های اجتماعی مردم در فعالیت‌های اقتصادی به دو صورت خصوصی و تعاونی انجام می‌شود. شرکت‌های تعاونی یکی از مهم‌ترین تشکلهای غیردولتی می‌باشند. که بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار است. فعالیت‌های اقتصادی تعاونی‌ها در کشورهای در حال توسعه تطابق بیشتری دارد جامعه را از فقر و نابرابری به سمت برابری و رشد و توسعه همه‌جانبه سوق می‌دهد. بنابراین مشارکت‌های اجتماعی مردم در چارچوب شرکت‌های تعاونی می‌تواند بر رشد اقتصادی موثر باشد (سپهردوست و زمانی، ۱۳۹۴).

مروری بر پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی

در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مطالعات تجربی داخلی و خارجی متعددی انجام شده است که در جدول ۱ خلاصه‌ای از این مطالعات ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه مطالعات تجربی داخلی و خارجی در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی

پژوهشگران	نمونه و دوره بررسی	روش تخمین	نتیجه
کافی و لشگری (۱۴۰۲)	ایران	تطبیقی	مسئولیت پذیری، مدیریت کارآمد، کاهش خطرهای احتمالی، افزایش سرمایه گذاری در معاملات از عوامل تاثیرگذار در مکانیسم اعتماد اجتماعی و رشد اقتصادی هستند.
معبودی و دره نظری (۱۴۰۰)	ایران، ۱۳۹۸-۱۳۹۱	تجزیه رگرسیون	سرمایه اجتماعی نسبت به سایر متغیرها کمترین تاثیر بر رشد اقتصادی داشته است.
مکیان، کربلایی و بهرامی (۱۴۰۰)	کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین، ۲۰۱۴-۱۹۹۸	پانل	در کشورهای با شاخص های سرمایه اجتماعی بالا اثر مثبت بر رشد اقتصادی و در کشورهای با شاخص های سرمایه اجتماعی پایین بر رشد اقتصادی منفی است.
قیاسی، سرلک و غفاری (۱۳۹۹)	استانهای ایران، ۱۳۹۴-۱۳۸۴	Panel Var	اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت است.
کمالی دهکردی و همکاران (۱۳۹۸)	استانهای ایران، ۱۳۹۰-۱۳۸۰	پانل	اثر سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت است.
علمی و قربانی (۱۳۹۵)	منطقه منا ۲۰۱۲-۱۹۹۶	پانل	اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مثبت است.
سوری (۱۳۹۳)	ایران، ۱۳۸۷-۱۳۴۵	آزمون علیت	اثر سرمایه اجتماعی در کنار عوامل تولید بر رشد اقتصادی مثبت است.
میشچوک و همکاران ^۱ (۲۰۲۳)	منتخبی از کشورها، ۲۰۲۲-۲۰۱۴	پانل	اثر سرمایه اجتماعی در کشورهای با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر تاثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی داشته است.
مورینگانی و همکاران ^۲ (۲۰۲۱)	اتحادیه اروپا ۲۰۱۶-۲۰۰۲	داده های پانل	تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای که سرمایه انسانی پایین است بیشتر می باشد.
آکچوماک و ترویل (۲۰۰۹) ^۳	کشورهای اروپایی ۲۰۰۲-۱۹۹۰	حداقل مربعات ۳ مرحله ای	سرمایه اجتماعی بطور غیرمستقیم از طریق تقویت دانش و نوآوری بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت دارد.
بولیلا و همکاران ^۴ (۲۰۰۸)	منتخبی از کشورها ۲۰۰۰-۱۹۸۰	پانل	اعتماد اثر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی داشته است.
سومیانادا ^۵ (۲۰۰۷)	منتخبی از کشورها ۲۰۰۰-۱۹۹۰	پانل	اثر شاخص اعتماد بر درآمد سرانه مثبت است.

منبع: گردآوری پژوهشگران

1. Michok et al
2. Morgagni et al
3. Accomack et al
4. Boulila et al
5. Somianda

پرسش‌های پژوهش

آیا سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تأثیر دارد؟

روش شناسی پژوهش

تصریح مدل تجربی

در این پژوهش برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه بر اساس مبانی نظری و تجربی بخصوص با پیروی از پژوهش مورینگانی و همکاران (۲۰۲۱)، رابطه (۱) به عنوان مدل تجربی این پژوهش تصریح شده است.

$$GDP_{it} = \beta_{0it} + \beta_1 Soc_{it} + \beta_2 Gsf_{it} + \beta_3 Lf_{it} + \beta_4 Tr_{it} + u_{it} \quad (1)$$

بر اساس رابطه (۱) متغیرهای مستقل و وابسته مدل عبارتند از:

متغیر وابسته

GDP = درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی (شاخص رشد اقتصادی)

متغیرهای مستقل

Soc = شاخص سرمایه اجتماعی (سرمایه اجتماعی که از زیر مجموعه‌های شاخص لگاتوم بدست آمده است که ترکیبی از سه زیرشاخص انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و شهروندی جهانی است. انسجام اجتماعی میزان اعتماد و ارتباط اجتماعی را در یک جامعه اندازه‌گیری می‌کند که از طریق سؤالات نظرسنجی که در مورد تمایل افراد برای کمک به دیگران، احساس تعلق آنها به جامعه و اعتماد آنها به دیگران می‌پرسند، اندازه‌گیری می‌شود. مشارکت مدنی میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی مانند رای دادن، داوطلب شدن و شرکت در سازمان‌های اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند که از طریق سؤالات نظرسنجی که در مورد مشارکت مردم در این فعالیت‌ها می‌پرسند اندازه‌گیری می‌شود. شهروندی جهانی سطح تعامل با جامعه جهانی را اندازه‌گیری می‌کند که از طریق شاخص‌هایی مانند سفرهای بین‌المللی، مهارت زبان خارجی و مشارکت در سازمان‌های جهانی اندازه‌گیری می‌شود.

Gsf = موجودی سرمایه (درصدی از تولید ناخالص داخلی)

Lf = نیروی کار (جمعیت فعال به کل جمعیت)

متغیر کنترلی

Tr = درجه باز بودن اقتصاد (مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی)

در این پژوهش گروه کشورهای توسعه‌یافته شامل بلژیک، کانادا، فلاندر، نروژ، آلمان، ژاپن، فرانسه، سوئد، اتریش، رومانی، هلند، سنگاپور، اسپانیا، ایرلند و گروه کشورهای در حال توسعه شامل آرژانتین، برزیل،

اکوادور، عراق، ایران، لبنان، تایلند، ترکیه، صربستان، الجزایر، مکزیک، اردن، ارمنستان، مالزی و قطر می‌باشند. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از وب‌گاه بانک جهانی و موسسه لگاتوم گردآوری شده است. همچنین بازه زمانی پژوهش سالهای ۲۰۰۹-۲۰۲۱ در نظر گرفته شده است.

روش‌شناسی

در مواردی که ایستایی متغیرهای مورد بررسی در مدل از درجه‌های مختلفی باشد، برآوردهای مختلف داده‌های پانلی هم مانند اثرات ثابت، اثرات تصادفی و برآورد حداقل مربعات معمولی مختلط نامناسب است (جیما و همکاران^۱، ۲۰۲۳). در روش اثرات ثابت اگر چه عرض از مبدا برای هر گروه یا کشور متفاوت است، اما این محدودیت وجود دارد که ضرایب برای تمام گروه‌ها یکسان است (جین و موهاپاترا^۲، ۲۰۲۳). در صورتی که برخی از متغیرهای درونزا باشند و با جمله پسماند همبستگی داشته باشند، منجر به این می‌شود که برآوردگر اثرات ثابت با مشکل اریب بودن مواجهه شود. مدل‌های اثرات ثابت از محدودیت درجه آزادی برخوردار هستند و در مقابل از مشکلات کمتری از جمله درجه آزادی مواجهه است. همچنین این مدل با فرض محدودیت زمان مواجهه است. به این معنا که خطا در هر دوره با دوره قبل همبسته نیست (اشمیت هاتی و سیگلوک^۳، ۲۰۲۳). در روش حداقل مربعات معمولی مختلط عرض از مبدا و ضرایب برای تمامی مقاطع عرضی یکسان است. همچنین در الگوی گشتاورهای تعمیم یافته برای مدل‌های که دارای دوره زمانی طولانی هستند، کارایی ندارد. در مقابل الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL) حساسیتی نسبت به اینکه متغیرها در سطح $i(0)$ و یا انباشته از $i(1)$ باشند، را ندارد. همچنین این مدل انعطاف‌پذیری بالایی در مورد تعداد محدود داده‌ها دارد. بنابراین، در برآورد مدل‌هایی با تعداد اندک داده‌های سری زمانی کاربرد فراوانی دارد. الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL) دارای سه روش متفاوت برای برآورد روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرهای مدل است. این روش‌ها شامل میان گروهی (MG)، میان گروهی تلفیقی (PMG) و اثرات ثابت پویا (DEF) می‌باشد و هر سه این روش‌ها از برآوردگر حداکثر راست‌نمایی استفاده می‌کنند (قادری و سعادت‌پور، ۱۴۰۱). روش میان گروهی (MG) توسط پسران و اسمیت^۴ ارائه شده است. در این روش ضرایب بلندمدت را با میانگین‌گیری از ضرایب بلندمدت برآورد شده برای هر مقطع عرضی بدست می‌آورند و برای هر مقطع یک توضیح جداگانه برآورد می‌کند و سپس پارامترها را با میانگین‌گیری غیر وزنی از ضرایب برآورد شده برای هر مقطع بدون هیچ‌گونه محدودیتی اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت برآورد شده در روش میان گروهی (MG) ممکن است، ناهمگن باشند. به معنای دیگر در این روش عرض از مبدا، ضرایب برآورد و خطای معیار برای هر مقطع متفاوت است. روش میان گروهی تلفیقی (PMG) توسط پسران و همکاران^۵ (۲۰۰۱)

1. Jima et al
2. Gin & Mohapatra
3. Ashmithati & Sieglach
4. Pesaran & Smith
5. Pesaran et al

توسعه داده شد. در این روش، ضرایب همگنی را برای تمام مقطع‌ها در بلندمدت برآورد می‌کند. اما در این روش، ضرایب کوتاه‌مدت برآورد شده برای هر مقطع به منظور تعدیل به سمت تعادل بلندمدت ناهمگن هستند. در این روش ضریب تصحیح خطا باید منفی به دست آید و جملات پسماند مدل تصحیح خطا باید خود ناهمبسته باشند. در روش اثرات ثابت (DEF) هم‌مانند میان گروهی تلفیقی (PMG) ضرایب هم‌جمعی بلندمدت برآورد شده برای تمامی مقاطع یکسان است. در مقابل این روش بر خلاف میان گروهی تلفیقی (PMG) دارای سرعت تعدیل کمتری است و ضرایب کوتاه‌مدت آن همگن هستند. همچنین در این مدل مشکل اربیب همزمانی معادلات برقرار است (عثمانی، دهقانی و غیائی، ۱۴۰۰).

بنابراین، در این پژوهش برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در منتخب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، روش میان گروهی تلفیقی (PMG) بکار گرفته می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

قبل از برآورد مدل لازم است، مانایی متغیرهای مورد استفاده در تخمین مدل، مورد آزمون قرار گیرند. زیرا عدم مانایی متغیرها منجر به بروز رگرسیون کاذب می‌شود. لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲) نشان دادند در داده‌های پانلی بکارگیری از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده‌ها دارای قدرت و اعتبار بیشتری نسبت به آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه است. بنابراین لازم است، یکی از چهار روش آزمون لوین، لین و چو، آزمون اسیم، پسران و شین^۲ و آزمون فیشر^۳ برای آزمون ریشه واحد داده‌های پانلی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش از آزمون لوین، لین و چو برای بررسی مانایی متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد (دهکردی و همکاران، ۱۴۰۰).

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی

آزمون ریشه واحد لوین- لین و چو برای منتخب کشورهای توسعه‌یافته			
وضعیت	احتمال	آماره آزمون	نام متغیر
I(1)	۰,۰۰۰	-۷/۵۴۳	GDP
I(1)	۰,۰۰۰	-۳,۳۵۹	Soc
I(0)	۰,۰۰۰	-۵,۱۱۴	GCF
I(1)	۰,۰۰۰	-۴,۰۷۲	LF
I(0)	۰,۰۰۰	-۵,۲۲۳	TR

1. Lojin, lin & Choo
2. Pesarn & shin
3. Fisher



آزمون ریشه واحد لوین- لین و چو برای منتخب کشورهای درحال توسعه			
نام متغیر	آماره آزمون	احتمال	وضعیت
<i>GDP</i>	-۵/۲۳۸	۰,۰۰۰	I(1)
<i>CSP</i>	-۸,۰۱۶	۰,۰۰۰	I(1)
<i>GCF</i>	-۵,۰۴۳	۰,۰۰۰	I(0)
<i>LF</i>	-۵,۶۶۹	۰,۰۰۰	I(1)
<i>TR</i>	-۵,۵۴۵	۰,۰۰۰	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج آزمون مانایی برای منتخب کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، متغیرهای تولید ناخالص داخلی، سرمایه اجتماعی و نیروی کار با یک بار تفاضل گیری مانا شده‌اند و برای متغیرهای موجودی سرمایه و درجه باز بودن اقتصاد در سطح مانا شده‌اند.

برآورد مدل

از این رو، با توجه به نتایج آزمون ایستایی و به دلیل توام بودن متغیرهای مانا (ایستا) در سطح و متغیرهایی که پس از انجام یک بار تفاضل گیری مانا (ایستا) می‌شوند، از تحلیل هم‌جمعی موسوم به روش خود توضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج رابطه کوتاه‌مدت مدل pmg برای منتخب کشورهای توسعه یافته

نام متغیر	ضریب	آماره آزمون	احتمال
<i>COINTEQ01</i>	-۰/۱۸	-۱/۵۳۶	۰/۵۹
<i>D(GDP(-1))</i>	۰/۳۴	۳/۷۸۹	۰,۰۰۰
<i>D(GDP(-2))</i>	-۰/۱۶	۲/۲۲۳	۰/۱۵۸
<i>D(SoC)</i>	۱/۲۸	۰/۵۶۰	۰/۳۴۸
<i>D(CSP)</i>	۱/۵۴	۱/۱۹۶	۰/۳۵۴
<i>D(LF)</i>	۰/۰۹	۰/۰۵۴	۰/۶۵۴
<i>D(TR)</i>	۱/۳۶	۲/۵۶۴	۰/۳۹
<i>C</i>	۹/۵۴۵۶	۱/۰۸۷	۰/۳۱

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده در دوره کوتاه‌مدت برای منتخب کشورهای توسعه یافته، وقفه اول و دوم تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت بر خودش داشته است. سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی منجر به افزایش ۱/۲۸ واحدی رشد اقتصادی شده است. موجودی سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک

واحدی در موجودی سرمایه، رشد اقتصادی ۱/۵۴ واحد افزایش یافته است. نیروی کار تاثیر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی داشته است، به طوری که افزایش یک واحدی در نیروی کار، رشد اقتصادی ۰/۰۹ واحد افزایش یافته است. درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی داشته است و منجر به افزایش ۱/۳۶ واحدی رشد اقتصادی شده است.

جدول ۴. نتایج رابطه بلندمدت مدل PMG برای کشورهای توسعه یافته

نام متغیر	آماره آزمون	ضریب	احتمال
Soc	۳۶/۵۴۱۹۳	۱/۲۴	۰/۰۰۰
CSP	۱۴/۵۳۶	۱/۹۳۵	۰/۰۰۰
LF	۰/۰۰۰۴	۰/۰۵	۰/۰۰۰
TR	۰/۰۰۱۳	۱/۳۷۳	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده جدول ۴ در دوره بلندمدت سرمایه اجتماعی بر تولید ناخالص داخلی در منتخب کشورهای توسعه یافته تاثیر مثبت و معنی دار داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی، تولید ناخالص داخلی سرانه ۱/۲۴ واحد افزایش یافته است. در کشورهای توسعه یافته به بالا بودن شاخص های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت مدنی و مشارکت شهروندی) تعامل میان افراد جامعه از سطح بالایی برخوردار است و بر فرآیند تولید تاثیر مثبت گذاشته و منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی می شود. موجودی سرمایه تاثیر مثبت و معنی دار بر تولید ناخالص داخلی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی موجودی سرمایه، تولید ناخالص داخلی ۱/۹۳۵ واحد افزایش یافته است. نیروی کار تاثیر مثبت و معنی داری بر تولید ناخالص داخلی داشته است، به طوری که با افزایش یک واحدی نیروی کار، تولید ناخالص داخلی ۰/۰۵ واحد افزایش یافته است. فراوانی نیروی کار در کشورهای توسعه یافته در بلندمدت منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی شده است. درجه باز بودن اقتصاد بر تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت و معنی دار داشته است، بطوری که با افزایش یک واحدی درجه باز بودن اقتصاد، تولید ناخالص داخلی ۱/۳۷۳ واحد افزایش یافته است، که بر اساس نظریات رشد درونزا افزایش درجه باز بودن اقتصاد، از طریق بهبود فناوری می تواند منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی شود.

جدول ۵. نتایج رابطه کوتاه مدت مدل pmg برای منتخب کشورهای در حال توسعه

نام متغیر	آماره آزمون	ضریب	احتمال
COINTEQ01	-۲/۶۰۳	-۰/۱۸	۰/۰۰۰
D(GDP(-1))	۰/۵۴۸	۰/۴۳	۰/۴۳۲
D(Soc)	۱/۴۰۹	۰/۷۶	۰/۱۰۹
D(CSP)	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۰۷	۰/۸۹۱
D(LF)	۱/۷۶۵	۰/۳۵۶	۰/۶۱
D(TR)	۰/۱۱۶	۰/۰۵	۰/۵۴۳
C	۳/۹۰۶	۲/۵۳۲	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده جدول ۵ در دوره کوتاه مدت در منتخب کشورهای در حال توسعه وقفه اول تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت بر خودش داشته است. سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است، به طوری که افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی، منجر به افزایش ۰/۷۶ واحدی رشد اقتصادی شده است. موجودی سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی در موجودی سرمایه، رشد اقتصادی به ۰/۰۰۰۷ واحد افزایش یافته است. نیروی کار تاثیر مثبت بر تولید رشد داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی در نیروی کار، تولید ناخالص داخلی به ۰/۲۵۶ واحد افزایش یافته است. که این میزان تاثیر گذاری نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر بوده و علت این مسئله ناشی از مهارت و آموزش ضعیف نیروی کار در فرآیند تولید در کشورهای در حال توسعه بوده است. درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته است. به طوری که درجه باز بودن اقتصاد منجر به افزایش ۰/۰۵ واحدی رشد اقتصادی شده است.

جدول ۶. نتایج رابطه بلندمدت مدل pmg برای کشورهای در حال توسعه

نام متغیر	آماره آزمون	ضریب	احتمال
SOC	۵/۶۷۸	۰/۳۹	۰/۰۰۰
CSP	۱/۳۲۱	۰/۰۲	۰/۰۱۲
LF	۹/۶۰۹	۰/۰۴۸	۰/۰۰۰
TR	۷/۵۴۳	۰/۳۱	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده جدول ۶ در دوره بلندمدت، سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری بر تولید رشد اقتصادی داشته است. به طوری که افزایش یک واحدی در شاخص های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت شهروندی و مشارکت مدنی) منجر به افزایش ۰/۳۹ رشد اقتصادی شده است. در کشورهای در حال توسعه تاثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش رشد اقتصادی کمتر از کشورهای توسعه یافته بوده است. که نشان می دهد در کشورهای در حال توسعه به دلیل پایین بودن شاخص های سرمایه اجتماعی (پایین بودن مشارکت های مردمی و مشارکت های مدنی) بر رشد اقتصادی تاثیر کمتری داشته است. موجودی سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است و منجر به افزایش ۰/۰۲ واحدی رشد اقتصادی شده است. نیروی کار تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی نیروی کار، تولید رشد اقتصادی ۰/۰۴۸ واحد داشته است. درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی داشته است و منجر به افزایش ۰/۳۱ واحدی رشد اقتصادی شده است.

بحث و نتیجه گیری

در دهه های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم میان رشته ای، مورد توجه بسیاری از شاخه های علوم اجتماعی قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم تر از سایر اشکال سرمایه

بخصوص سرمایه‌های فیزیکی و انسانی دارد. سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط جمعی و انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان است. سرمایه اجتماعی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد، بنابراین در غیاب سرمایه اجتماعی سایر اشکال سرمایه اثربخشی خود را از دست می‌دهد. بنابراین بدون سرمایه اجتماعی رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین سرمایه اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد و توسعه اقتصادی تاثیرگذار است. از این رو هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۲۱ با استفاده از الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Pael ARDL) می‌باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده در دوره کوتاه‌مدت برای منتخب کشورهای توسعه‌یافته، وقفه اول و دوم تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت بر خودش داشته است. سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحد سرمایه اجتماعی منجر به افزایش ۱/۲۸ واحدی رشد اقتصادی شده است، که با نتایج (مکیان و همکاران، ۱۴۰۰) و (موریگانی و همکاران، ۲۰۲۱) مطابقت دارد. در کشورهای توسعه‌یافته که از سرمایه اجتماعی از طریق تاثیر بر بهره‌وری عوامل تولید می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد.

موجودی سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی در موجودی سرمایه رشد اقتصادی ۱/۵۴ واحد افزایش یافته است.

نیروی کار تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است، به طوری که افزایش یک واحدی در نیروی کار، تولید ناخالص داخلی ۰/۰۹ واحد افزایش یافته است. که این نتیجه با نتایج (پورمحمدی، طهرانچیان و راسخی، ۱۳۹۹) و (مهرآرا و رضایی، ۱۳۹۵) مطابقت دارد. در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل اینکه از نیروی کار با آموزش و مهارت بالا بکار گرفته می‌شود، از سرمایه انسانی بالایی برخوردار هستند. از آنجایی که سرمایه‌انسانی مکمل سرمایه فیزیکی است، بنابراین سرمایه انسانی منجر می‌شود که از سرمایه فیزیکی به طور مناسب‌تری بهره‌برداری شود و در نتیجه بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت می‌گذارد. درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است و منجر به افزایش ۱/۳۶ واحدی رشد اقتصادی شده است، که با نتیجه کهو^۱ (۲۰۱۷) مطابقت دارد. بر اساس نظریات رشد درونزا یک افزایش در درجه باز بودن اقتصاد، فناوری را بهبود بخشیده و بنابراین، تولید را افزایش می‌دهد.

بر اساس نتایج بدست آمده در دوره بلندمدت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در منتخب کشورهای توسعه‌یافته تاثیر مثبت و معنی‌دار داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی، تولید رشد اقتصادی ۱/۲۴ واحد افزایش یافته است که با نتایج (میشچوک و همکاران، ۲۰۲۳؛ آکچوماک و ترویل، ۲۰۰۹) مطابقت دارد. در کشورهای توسعه‌یافته به بالا بودن شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت مدنی و مشارکت شهروندی) تعامل میان افراد جامعه از سطح بالایی برخوردار است و بر فرآیند تولید تاثیر مثبت گذاشته و منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

موجودی سرمایه تاثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی موجودی سرمایه، رشد اقتصادی ۱/۹۳۵ واحد افزایش یافته است.

نیروی کار تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است، به طوری که با افزایش یک واحدی نیروی کار، تولید ناخالص داخلی ۰/۰۵ واحد افزایش یافته است. فراوانی نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته در بلندمدت منجر به افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش تولید ناخالص داخلی شده است.

درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت و معنی‌دار داشته است، بطوری که با افزایش یک واحدی درجه باز بودن اقتصاد، رشد اقتصادی ۱/۳۷۳ واحد افزایش یافته است، که بر اساس نظریات رشد درونزا افزایش در درجه باز بودن اقتصاد، از طریق بهبود فناوری می‌تواند منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی شود.

بر اساس نتایج به دست آمده برای منتخب کشورهای در حال توسعه، در دوره کوتاه‌مدت سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت رشد اقتصادی داشته است، به طوری که افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی، منجر به افزایش ۰/۷۶ واحدی رشد اقتصادی شده است، که با نتیجه (علمی و قربانی، ۱۳۹۵) مطابقت دارد. در دوره کوتاه‌مدت تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمتر از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. که این مسئله می‌تواند حاکی از آن باشد که در کشورهای در حال توسعه به شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی) توجه زیادی نمی‌شود. اعتماد میان مردم و حکمرانان پایین بوده و فعالیت‌های اجتماعی و مدنی در جامعه کمتر از کشورهای توسعه‌یافته بوده، بنابراین، تاثیر سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه بر رشد اقتصادی کمتر از کشورهای توسعه‌یافته است.

موجودی سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی در موجودی سرمایه، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۰۰۷ افزایش یافته است.

نیروی کار تاثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی در نیروی کار، تولید ناخالص داخلی ۰/۲۵۶ واحد افزایش یافته است. که این میزان تاثیرگذاری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته کمتر بوده و علت این مسئله ناشی از مهارت و آموزش ضعیف نیروی کار در فرآیند تولید در کشورهای در حال توسعه بوده است.

درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته است. به طوری که درجه باز بودن اقتصاد منجر به افزایش ۰/۰۵ رشد اقتصادی شده است. در کشورهای در حال توسعه درجه باز بودن اقتصاد منجر به روابط بیشتر با کشورهای توسعه‌یافته شده و در نتیجه با انتقال فناوری از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه بر فرآیند تولید تاثیر مثبت گذاشته و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده در دوره بلندمدت، سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که افزایش یک واحدی در شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت شهروندی و مشارکت مدنی) منجر به افزایش ۰/۵۵ تولید رشد اقتصادی شده است. در دوره بلندمدت در کشورهای در حال توسعه تاثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش رشد اقتصادی کمتر از کشورهای توسعه‌یافته بوده

است. که نشان می‌دهد در کشورهای درحال توسعه به دلیل پایین بودن شاخص‌های سرمایه اجتماعی (پایین بودن مشارکت‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی) بر افزایش رشد اقتصادی تأثیر کمتری داشته است. موجودی سرمایه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است و منجر به افزایش ۰/۰۲ تولید رشد اقتصادی شده است.

نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌دار بر تولید ناخالص داخلی داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی نیروی کار، رشد اقتصادی ۰/۴۸ واحد افزایش یافته است.

درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است و منجر به افزایش ۰/۲۱ واحدی رشد اقتصادی داخلی شده است. درجه باز بودن اقتصاد از طریق حذف تعرفه‌های گمرکی می‌تواند واردات فناوری را به کشورهای درحال توسعه تسریع کند و در نتیجه در بلندمدت رشد اقتصادی افزایش یابد.

با توجه به نتایج دست آمده از این پژوهش مبنی بر تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه کمتر از کشورهای توسعه‌یافته، می‌بایست در کشورهای درحال توسعه دولت‌ها برای تقویت و بهبود رشد اقتصادی از طریق مولفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله؛ افزایش اعتماد مردم نسبت به حکمرانان و افزایش مشارکت‌های اجتماعی بین مردم اقدام نمایند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.



References

- Akçomak, I. S; & TerWeel, B. (2009). Social capital, innovation and growth: Evidence from Europe. *European Economic Review*, 53(5), 544-567.
- Antonietti, R; & Boschma, R. (2021). Social capital, resilience, and regional diversification in Italy. *Industrial and Corporate Change*, 30(3), 762-777.
- Boulila, G; Bousrih, L; & Trabelsi, M. M. (2018). Social capital and economic growth: empirical investigations on the transmission channels. *International Economic Journal*, 22(3), 399-417.
- Crescenzi, R; Gagliardi, L; & Percoco, M. (2013). The bright side of social capital: How bridging makes Italian provinces more innovative. *Geography, institutions and regional economic performance*, 143-164.
- Dehghani, A; Osmani, F; & Gorjipour, M. J. (2019). The Effect of Environmental Efficiency on the Industry Value Added of Natural Gas Consumption Over 2008-2014: A Case Study of Iran. *Journal of Environmental and Natural Resource Economics*, 3(4), 25-45. (In Persian).
- Elmi, Z. & Ghorbani, M. (2016). The effect of social capital on economic growth in selected countries of the Middle East and North Africa, Iranian social development studies, 8(4), 72-82. (In Persian).
- Ghaderi, S; & Saadati pour, M. (2023). The Effects of Human Capital and Social Capital on Innovation in Selected OPEC Member Countries: Panel ARDL Approach. *Innovation Economic Ecosystem Studies*, 3(3), 17-34. (In Persian).
- Ghiasi, M; sarlak, A; & Ghafari, H. (2020). Investigating the relationship between social capital, health capital and economic growth in Provinces of Iran. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 7(3), 131. (In Persian).
- Jima, M. D; & Makoni, P. L. (2023). Financial inclusion and economic growth in Sub-Saharan Africa—A panel ARDL and Granger non-causality approach. *Journal of Risk and Financial Management*, 16(6), 299.
- Jain, N; & Mohapatra, G. (2023). Dynamic linkages between trade, growth, inequality, and poverty in emerging countries: An application of panel ARDL approach. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 1-17.
- Kamali Dehkordi, P. Nazarizinali, A. Makian, N. & Dehghani, F. (2018). The effect of types of capital on the economic growth of Iran's provinces, strategic and macro policies, 7(1), 65-85. (In Persian).
- Kamali Dehkordi, P. Mombini, Z. Abdolahi, F. & Ghobishabi, A. (2020). The spatial Effect of Urbanization on Energy Eonsumption in Selected OPEC member countries, *Economic modeling*, 13(26), 288-310. (In Persian).
- Ketterer, T. D; & Rodríguez-Pose, A. (2018). Institutions vs. first-nature geography: What drives economic growth in Europes regions? *Papers in Regional Science*, 97, 25-S62.
- Maaboudi, R; & Dare Nazari, Z. (2021). An Analysis of the Share of Social Capital in Iran's Economic Growth during the Years 2002-2019. *Social Capital Management*, 8(4), 633-663.
- Moro no, M, (2018). Social capital, innovation and economic growth. *Journal of behavioral and experimental economics*, 73, 46-52. (In Persian).

Makian, S. Karbalaei, F. & Bahrami, F. (2022). Social capital and Economic growth, strategic and macro policies, 1(9), 184-209. (In Persian).

Mehrara, M; & Rezaei Bargoshadi, S. (2016). The Determinants of Economic Growth in Iran Based on Bayesian Model Averaging and Weighted Averaging Least Square. *Economic Growth and Development Research*, 6(23), 114-89. (In Persian).

Muringani, J; Fitjar, R. D; & Rodríguez-Pose, A; (2021). Social capital and economic growth in the regions of Europe. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 53(6), 1412-1434.

Mishchuk, H; Bilan, Y; Androniceanu, A; & Krol, V; (2023). Social capital: Evaluating its roles in competitiveness and ensuring human development. *Journal of Competitiveness*, 15(2), 19-34.

Poormohamadi, S. Tehranchian, A, M. & Raskhi, S. (2019). Interactive effect of degree of trade openness and monetary policies on economic growth and inflation, economic modeling, 14(1), 73-88. (In Persian).

Smith, N, & Thomas, E. (2017). Regional conditions and innovation in Russia: The impact of foreign direct investment and absorptive capacity. *Regional Studies* 51(9): 1412–1428.

Sori, A. (2013). Social capital and growth in Iran, research and economic policies, 22(69), 49-64. (In Persian).

Westlund, H; & Larsson, J. P; (2016). Social capital and regional development: an introduction. In *Handbook of social capital and regional development*, 1-23.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

